

فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال هفتم - شماره دوم - تابستان 1393 - شماره پیاپی 24

معرفی حماسه دینی «چهارخیابان باغ فردوس» و بررسی ارتباط آن با شاهنامه

فردوسی

(ص 213-231)

محمد سعید میرزائی¹

تاریخ پذیرش مقاله: 1392/11/28

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: 1393/4/15

چکیده

موضوع این پژوهش معرفی منظومه «چهارخیابان باغ فردوس» سروده میرزا احمد الهامی کرمانشاهی است که میتوان آن را به عنوان حماسه‌ای دینی در نظر گرفت. این منظومه را که سرایش آن در اواخر عهد ناصری (1304 هجری) به اتمام رسیده است، شاید بتوان آخرین نمونه از حماسه‌های دینی نامید که بر وزن و شیوه شاهنامه فردوسی پدید آمده است. ویژگی اصلی این منظومه روایت کامل تاریخ کربلا از هنگام مرگ معاویه تا انتهای ماجرای قیام و خونخواهی مختار ثقفی است که طی چهاربخش (خیابان) آمده است. شاعر در هر خیابان از این منظومه، به یک مقطع تاریخی - براساس ترتیب زمانی رخدادها - پرداخته است.

در این پژوهش، گزارشی دقیق از منظومه «چهارخیابان باغ فردوس» ارائه شده است. به تبیین جایگاه این منظومه در میان حماسه‌های دینی، زمینه‌های تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری اثر و نیز عوامل گمنام ماندن آن، بطور اجمالی پرداخته شده است. همچنین با توجه به اینکه از ویژگیهای شاخص این مجموعه، تلفیق دو نوع مقتل و حماسه و ارتباط عمیق آن با شاهنامه فردوسی است، از این منظر نیز به این کتاب نگاه شده است.

کلمات کلیدی

الهامی کرمانشاهی، حماسه دینی، شعر شیعی، شاهنامه

¹ دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد mimirzaii@yahoo.com

مقدمه

در پژوهش حاضر به معرفی یک حماسهٔ دینی به نام «چهارخیابان باغ فردوس» سرودهٔ الهامی کرمانشاهی از شاعران عهد ناصری پرداخته خواهد شد. این اثر را که چندسال پس از «خداوندنامه» فتحعلی خان صبا سروده شده است، شاید بتوان آخرین نمونه از نوع خود برشمرد. تفاوت و تمایز بارز این اثر را در قیاس با دیگر حماسه‌های دینی میتوان گزارش نوع «مقتل» در بستر حماسه و ارتباط عمیق آن با شاهنامهٔ فردوسی دانست.

باتوجه به آنکه موضوع این پژوهش معرفی اثری است که علاوه بر قرارگرفتن در زمرهٔ حماسه‌های دینی، واقعهٔ کربلا را با زبان و فضایی حماسی و همانند با شاهنامه روایت میکند، اشاره‌ای مختصر به پیشینهٔ نوع مقتل نیز ضروری مینماید. نمونه‌های «مقتل» را به عنوان گونه‌ای گزارش مرثیه‌وار از کربلا و چگونگی شهادت امام حسین (ع) در کنارنعت، مدح و منقبت در شعرشاعران طول تاریخ شعر فارسی میتوان یافت. چنانچه کسایی مروزی در شعر خود از نوع مقتل در کنار «مدح» و «غزل» یاد کرده است:

«دست از جهان بشویم، عز و شرف نجویم
میراث مصطفی را، فرزندمرتضی را
مدح و غزل نگویم، مقتل کنم تقاضا
مقتول کربلا را تازه کنم تولا...»
(کسایی مروزی: زندگی و اندیشه و شعر، ریاحی، 1367: 145)

ابیاتی که عطار در «مصیبت‌نامه» می‌آورد نیز مؤید شناخته بودن نوع مقتل و مرثیه بر امام حسین (ع) است:

«تشنه او رادشنه آغشته به خون
آنچنان سرخود که بُرد بی دریغ
نیم کشته گشته سرگشته به خون
گیسوی او تا به خون آلوده شد
کآفتاب از درد آن شد زیر میغ
کی کننداین کافران با این‌همه
خون گردون از شفق پالوده شد
کو محمدکوعلی کوفاطمه»
(مصیبت‌نامه، عطار، ص 146)

با تمام آنچه گفته آمد، ابیات بی‌تردید حکیم فردوسی را در آغاز شاهنامه -... که من شارستانم، علیم دراست... (شاهنامهٔ فردوسی، جلد 1) - با توجه به آنکه در دیباچهٔ اثری عظیم همچون شاهنامه آمده‌اند، میتوان الهام بخشترین نمونهٔ باورمندی و مهر ایرانیان به حضرت علی (ع) دانست. «چنانکه از ابیات منقول (شش بیت باز مانده از هجویهٔ محمودغزنوی) و نیز از آنچه فردوسی در آغاز شاهنامه آورده است، برمی آید، شاعر ما مردی شیعی و در اصول عقاید نزدیک به فرقهٔ معتزله است» (تاریخ ادبیات ایران، صفاج، 1: ص 478) به تعبیر دیگر فردوسی را میتوان آغازگر جریان تلفیق آموزه‌های اسلام علوی

معرفی حماسه دینی «چهارخیابان باغ فردوس» و بررسی ارتباط آن با شاهنامه فردوسی / ۲۱۵

با ودایع کهن معرفتی ایرانیان دانست. سخن ما در اینجا بر سر مذهب فردوسی نیست، اما این مطلب بدیهی مینماید که تمامی حماسه‌های دینی از روزگار فردوسی (مانند علی نامه) تا پایان قرن سیزدهم هجری با تأثیرپذیرفتن و تقلید از وزن و سبک شاهنامه و الهام از روح حماسی آن پدیدآمده‌اند.

پیشینه پژوهش

تنها پژوهش در حوزه معرفتی الهامی و منظومه او در مقدمه دیوان الهامی (دیوان الهامی، الهامی کرمانشاهی) توسط امید اسلام پناه صورت گرفته است. در مقالاتی نیز که در حوزه حماسه‌های دینی انتشار یافته است اشاره‌ای به منظومه چهارخیابان باغ فردوس نشده است و غالباً خداوندنامه صباي کاشانی و اردیبهشت نامه سروش اصفهانی در شمار آخرین حماسه‌های دینی ذکر شده‌اند. لذا این تحقیق اولین تحقیق علمی پژوهشی است که به معرفی و گزارش دقیق «چهار خیابان باغ فردوس» میپردازد.

زندگینامه الهامی کرمانشاهی

«پدر این گوینده [الهامی] آقا رستم فرزند ملا ابوتراب در زمانی که عمر فرزندش به پنج رسیده بود با عیال و اولاد (از تویسرکان) به کرمانشاه حرکت کرد و در این شهر سکونت گزید. میرزا احمد در سال 1250 هـ ق متولد گردید (تذکره مختصر شعرای کرمانشاه، شاکری، ص 3). خسروی قاجار (محمد باقر میرزا متخلص به خسروی) که از دوستان و معاشران الهامی بوده است در باره نام و نسب و اجداد وی، در مقدمه «چهار خیابان باغ فردوس» چنین مینویسد: ([الهامی] را نام میرزا احمد و نام پدرش آقا رستم است. مولدش قصبه فرحناک سرکان از محال عراق و پدر وحید پاکش از ساکنین این خاک بوده، جد اعلايش مرحوم ملا عبدالله است ... یکی از مدارس اصفهان که الحال نیز مشهور است، به مدرسه ملا عبدالله با بعضی از ابنیه خیریه دیگر از بناهای آن جناب است. اجداد این عالم بزرگوار از اهل بهبهان و خود ایشان در اصفهان تحصیل علوم فرموده ... جناب ملا ابوتراب [جد الهامی] از اصفهان به تویسرکان هجرت و در آنجا مروج شریعت گشت چنانچه بدان قصبه منسوب و به تویی مشهور شد.

بالجمله پدر این گوینده فصاحت گستر در زمانی که سنین عمر پسر پاکیزه گوهرش به پنج رسیده بود... از آنجا [تویسرکان] هجرت کرد و با عیال و اولاد به شهر دارالدوله کرمانشاه صانهاالله عن الحدثان آمده سکونت گزید ...» (چهارخیابان باغ فردوس، الهامی، ص 4)
شایان ذکر است نگارنده مقدمه، خسروی قاجار (1265-1276 هـ. ق) _ محمد باقر میرزای خسروی _ خود از مشروطه خواهان و شاعران و رمان نویسان مشهور بود و رمان تاریخی - عشقی «شمس و طغرای» از اوست (کلیات غیرت کرمانشاهی، مقدمه، ص 82-84)

الهامی در سن سی سالگی علاوه بر اینکه «وام بسیار بر وی گرد آمده بود» دچار بیماری میگردد و از کار باز میماند. در نهایت با شکسته دلی، خداوند را به امام حسین علیه السلام سوگند میدهد و آنچنانکه با جزئیات در مقدمه آمده است، در عالم خواب ملهم و مأمور به سرودن «باغ فردوس» میگردد (همان:ص 4 و 5).

تلخیص الهامی را حسین قلی خان سلطانی (متخلص به مهجور) که از شاعران و رجال صاحب نام کرمانشاه بوده است (حدیقه الشعرا، دیوان بیگی، ج 3 ص 1753)، به وی اعطا میکند.

از آن پس سلطانی، الهامی را که تا قبل از آغاز سرایش باغ فردوس، شعری نسروده بود، تحت تربیت و پرورش خود درآورد. شرح واقعه عجیب دیدن خواب و سروش آسمانی جان شاعر و آشنایی او با یکی از رجال - که وی را درمی یابد و بر حسب ترتیب زمانی سرایش داستان شهدای امام حسین علیه السلام، یکی یکی پرداخت و امهای او را بر عهده میگیرد و وی را به فردوسی حسینی ملقب میسازد، هم در مقدمه باغ فردوس و هم در بخشهای آغازین «خیابان اول» از این منظومه آمده است. (همان:ص 5 و 6).

سرایش منظومه در نهایت هفت سال به طول انجامیده است. هرچند که این هفت سال بی وقفه نبوده و عموماً وقفه‌هایی چند ماهه به علت اوضاع سخت معیشتی الهامی در آن رخ می داده است (همان:ص 3) تاریخ اقامه سرایش باغ فردوس، هزار و سیصد و چهار هجری شمسی ذکر شده است (همان:ص 9 و 10).

الهامی دارای سه فرزند از جمله ابوالقاسم لاهوتی (1264-1336 هجری شمسی) از شاعران آزادیخواه و پیشگامان نوگرایی در شعر معاصر ایران بوده است. در مقدمه دیوان لاهوتی به اینکه برخی از اشعار او را در سنین نوجوانی به پدرش نسبت میداده‌اند، اشاره شده است (دیوان لاهوتی، لاهوتی، ص 28).

آثار الهامی

الهامی علاوه بر باغ فردوس که حدود شانزده هزار بیت است، «قریب سی هزار بیت دیگر از قصاید فصیح و غزلیات ملیحه و مسمطات بدیعه و مثنویات مدونه» ... در مدح و مرثیه اهل بیت پیامبر علیه السلام سروده است. (چهارخیابان باغ فردوس، الهامی، ص 8) مثنویات او عبارتند از:

- بستان ماتم در بحر هزج در شرح حال امام موسی بن جعفر (ع)
- باغ ارم در شرح شهادت حمزه (ع) و حضرت جعفر طیار (ع) و مزاجت حضرت صدیقه سلام الله علیها و بعضی از جنگهای حضرت علی (ع) در بحر تقارب.
- اندرزنامه در بحر تقارب
- حسن منظر در بحور و اوزان مختلفه

- حسینیه مشتمل بر غزل و قطعه در مرثیه امام حسین (ع)
- دیوان دفتر عشق (در بحرهای مختلف)
- مسعود نامه در بحر تقارب و چیزهای دیگر مثل حدیث کسا و نصایح امیر نظام و غیره (چهارخیابان باغ فردوس، الهامی، ص 8 و 9)

وی منظومه‌ای نیز با نام «فتحنامه حسام الملک» در تاریخ شورش احمدوند چلبی و دفع آن به وسیله حسام الملک فرمانروای کرمانشاه دارد. (دیوان الهامی، ص 64).

علاوه بر نسخه کامل «چهار خیابان باغ فردوس» که در سال 1327 و در قطع رحلی و مشابه با شمایل شاهنامه فردوسی به چاپ رسیده است، و نمونه‌هایی از آن علاوه بر کتابخانه ملی ایران، در بعضی کتابخانه‌های شخصی در شهر کرمانشاه از جمله کتابخانه منزل مرحوم آیت الله سید مرتضی نجومی (علیه الرحمه) هنوز یافت می‌شود، نسخه‌هایی از آثار الهامی شامل بخشهایی از باغ فردوس و نیز برخی قصائد و مثنوی‌های دیگر در کتابخانه ملی ملک وابسته به آستان قدس رضوی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد. شرح و توصیف این نسخه‌ها در تحقیق امید اسلام پناه به تفکیک آمده است. (دیوان الهامی، ص 63 الی 67).

شعر الهامی در بستر شعر دوره بازگشت

زنده یاد بهار در یکی از نوشته‌های خود وضعیت شاعران را در عهد ناصرالدین شاه چنین شرح میکند: «صدر اعظم نوری روی کار آمد، شعرای سابق هنوز زنده بودند، آنجا و شهاب [اصفهانی] در سرحلقه شعر و ادب شهرت داشتند. صدر اعظم نوری و پسرش نظام الملک، مانند فتحلی شاه از شعرا نگهداری میکردند ... ناصر الدین شاه چون زیاد دور نمی ریخت ولی مواظب بود که دانشمندی در ایران از گرسنگی تلف نشود، و نسبت به شعرای معروف که چه از قدیم بودند و چه تازه پیدا شده بودند، از قبیل میرزا علیخان سروش، محمود خان ملک الشعراء، فتح الله خان شیبانی، شهاب و دیگران همان احترام و اهمیتی را که دارد بودند و لایق آنها بود ملحوظ میداشت» (بهار و ادب فارسی، بهار، ص 51 و 52). همانند آنچه بهار میگوید، یحیی آریان پور نیز در «از صبا تا نیما» توضیح میدهد که چگونه پس از ازدست رفتن پایگاه درباری شاعران در دوره صفویه، رؤیای فتحلی شاه قاجار برای احیای درباری همانند پاشاهان کهن با حضور شاعرانی صاحب نام (علاوه بر عوامل دیگر از جمله به ابتدال کشیده شدن سبک هندی) پشتوانه حکومتی مناسبی را برای شکل گیری مکتب بازگشت در ادب فارسی فراهم آورد (از صبا تا نیما، آریانپور). بهار در ادامه نوشته مذکور (در باره عهد ناصری و مکتب بازگشت)، ظهور شاعران دوره ناصرالدین شاه را اینگونه توضیح میدهد:

«شعرای خوبی در ایالات در نتیجه مستمری هایی که گفتیم به وجود آمدند و شاهزادگان و ولات نیز رویه شاه را در قدردانی از اهل علم و هنر پیش گرفتند. در شیراز، وصال و خانواده‌اش و بعدها شوریده فصیح‌الملک، در خراسان صبوری ملک الشعراء در کرمانشاه سلطانی و الهامی و خسروی، در اصفهان هما و سها و طرب و محیط و عمان و دهقان و غیره به وجود آمدند (بهار و ادب فارس، ص 52).

بنا بر مقاله بهار، کرمانشاه که در زمان الهامی، تحت فرمان حسام السلطنه از شاهزادگان قاجار بوده است، از مراکز شناخته شده فرهنگی و ادبی در غرب کشور بوده است. ذکر این نکته ضروری است که هنگامی که الهامی به شاعری و سرایش باغ فردوس روی آورد، سلطانی در آخرین سالهای حیات خود است. به عبارتی وی از آخرین شاعران نسل دوم عهد ناصری است.

با این همه، اینکه بهار در زمره شاعران شاخص این دوره از او نام میبرد، نشانگر این است که علیرغم شرایطی چون دوری از مرکز و وضعیت الهامی که طبق شرح خسروی در مقدمه باغ فردوس، روز و شب درگیر معیشت خانواده خود بوده است، اشعار الهامی در ظرف چند سال توسط صاحبان منصب و نیز اهالی ادب، شناخته شده است. چنانکه ابتدا الهامی مورد توجه حسام الدین حاکم کرمانشاه که از شاهزادگان قاجار بوده قرار میگیرد. تقریظ وی به همراه تقاریظ شماری از رجال و ادبای همشهری الهامی در آغاز باغ فردوس آورده شده است. همچنین همانطور که ذکر شد، بخشهایی از «باغ فردوس» قبل از اتمام سرایش آن به همراه تعدادی از دیگر اشعار الهامی به دارالخلافه «طهران» رفته است (چهارخیابان باغ فردوس، ص 7). در مجموع باید گفت سرایش باغ فردوس به وزن و شیوه شاهنامه در دوره بازگشت، امری بعید به شمار نمی آید.

از کسانی که به منظومه‌سرایی در بحر متقارب، پیش از الهامی در دوره قاجار شهرت پیدا کرده‌اند، علاوه بر فتحلیخان صبا، که خداوند نامه و شاهنامه را سروده است، میتوان از نشاط اصفهانی، نیز نامه برد که ملک الشعرا بهار در باره او میگوید: «بحر متقارب را به استحکام فردوسی و لطافت بوستان سعدی میسراید» (سبک‌شناسی، بهار، ج 3 ص 56-57).

با اندکی تأمل در تاریخ سرایش باغ فردوس (1304) میتوان مهمترین عامل مجهول‌القدر ماندن و تا حدی گمنامی باغ فردوس را تأخر تاریخی و سروده شدن آن در اواخر عهد ناصری و انتشار دیر هنگام نسخه چاپی آن (در سال 1327 هجری شمسی) ذکر کرد. این منظومه هنگامی انتشار مییابد که شرایط سیاسی-اجتماعی دیگری حاکم است و سیاست بیش از هر چیز ذهنها را به خود مشغول ساخته است. البته دوری سراینده و محل طبع اثر از مرکز را نیز باید به این عوامل اضافه کرد.

گزارش «چهار خیابان باغ فردوس» (تصنیف و بخش بندی)

این منظومه پس از بخش مقدمه که شامل مقدمه خسروی قاجار، سراینده و دکتر الهامی (پسر الهامی) و همانطور که اشاره شد، تعدادی از تصدیقات ادبا و رجال و علماست؛ در چهار بخش یا خیابان، تقسیم بندی شده است.

شاعر در «خیابان اول» وقایع کربلا را از هنگام مرگ معاویه تا شب قبل از عاشورا نقل میکند.

شاعر در انتهای این بخش ابیات آن را «پنج هزار و ششصد و پنج بیت» بر می‌شمارد:

چنین نامه نغز زیبا سخن	نخستین خیابانش آمد به بن
ز ابیات این نامه نامدار	الا ای که خواهی بدانی شمار
هزاریش پنج ای هنرور بسنج	فزون پانصد و بیست و هشتاد و پنج
(چهارخیابان باغ فردوس، ص 71).	

سراینده در «خیابان دوم» به وقایع روز عاشورا از ابتدا تا شهادت حضرت علی اکبر و هنگام به میدان رفتن امام حسین علیه السلام نقل میکند.

شاعر در «خیابان سوم» همانند دو بخش قبل، با نیایش پروردگانه گفتار خود را آغاز میکند. پس از آن، اولین بخش با عنوان «گفتار در تنها ماندن امام تشنه کام و مهیا شدن برای رزم سپاه کوفه و شام» آغاز میشود و وقایع تا شهادت امام و حرکت کاروان ایران به کوفه و شام و در نهایت بازگشت به مدینه و شرح مختصری از حالات سید الساجدین ادامه مییابد. شاعر در انتهای ابیاتی را «در مناجات به درگاه قاضی الحاجات» (همان: ص 193) می آورد.

سراینده در «خیابان چهارم» به «شرح خونخواهی مختار وفادار از قاتلین فرزند احمد مختار (ص)» میپردازد.

این بخش نیز مانند دیگر بخشها با نیایش و برخی مدایح جانبی آغاز میگردد. از جمله آنکه شاعر به نعت پیامبر (ص) «منقبت حضرت امیرالمؤمنین و اولاد طاهرین او علیه السلام» و سپس یاری خواستن از ساقی حقیقی به عطای شراب حقیقت و مدح مختار و بیان نسب آن وفادار» (همان: ص 195) میپردازد. این بخش، با بیان چگونگی مرگ مختار سقفی و بردن سر او به نزد دشمن و اشاره به مکان مزار مختار پایان مییابد.

ویژگیهای برجسته منظومه باغ فردوس در میان حماسه‌های دینی

1- نخستین روایت جزء به جزء واقعه کربلا در بحر متقارب و به سبک شاهنامه

در نگاهی کلی به حماسه‌های دینی که در کتاب «حماسه سرایی در ایران» اثر «ذبیح الله صفا» نام برده شده‌اند - بعلاوه منظومه «علی نامه» سروده «ربیع» - میتوان گفت، بیشتر آنها به موضوع نبردها و دلاوریهای حضرت علی علیه السلام پرداخته‌اند.

با توجه به غلبه وجه عاطفی و نیز معنوی و عرفانی واقعه کربلا غالب شاعران به سرودن مرثیه پیرامون آن در بحوری غیر از بحر متقارب پرداخته‌اند.

پایان دردناک یکایک قهرمانان این روایت، خصوصاً حسین بن علی (ع) دورنمایی تأثرانگیز و تراژیک از آن ساخته است. بنابراین کمتر شاعری به روایت کردن واقعه کربلا، آن هم در بحر متقارب که آهنگی پویا و نسبتاً طرب انگیز دارد، تمایلی نشان داده است.

در بحر متقارب عموماً به روایت غزوات رسول اکرم (ص)، نبردهای حضرت علی علیه السلام و نبردهای حمزه سید الشهداء علیه السلام پرداخته شده است. از میان روایات مربوط و پیوسته با کربلا تنها جریان انتقام جویی مختار ثقفی از قاتلان امام حسین علیه السلام برای سرایش در این وزن مورد توجه قرار گرفته است (مختارنامه). علت این توجه را میتوان جنبه حماسی، مفاخره آمیز و دشمن ستیزانه حکایت مختار دانست؛ هر چند حکایت مختار نیز با شهادت او پایان مییابد.

بنابراین میتوان گفت منظومه الهامی در بحر متقارب به عنوان یک حماسه عاشورایی در نوع خود بینظیر است.

البته تقریباً همزمان با الهامی منظومه «گنجینه اسرار» نیز توسط عمان سامانی سروده شده است؛ اما این منظومه در بحر رمل و بر وزن مثنوی مولاناست و در آن بیشتر از آنکه به روایت کربلا پرداخته شده باشد، جنبه‌های عرفانی واقعه مورد نظر سراینده بوده است؛ از همین رو، نمیتوان آن را در ردیف حماسه‌های دینی قرار داد.

2- تعهد راوی در آوردن تمام روایات مربوط به واقعه

سراینده «باغ فردوس» علاوه بر آنکه چند مقتل را که در مقدمه اثر ذکر شده است، مبنای کار خود قرار داده است، روایاتی در بخشهایی که دو روایت متفاوت از یک رویداد وجود داشته است، هر دو روایت را با ذکر توضیحات لازم آورده است.

به عنوان نمونه، پس از آنکه راوی چگونگی انتقال پیکر علی اکبر (ع) را توسط امام حسین (ع) به خیمه گاه نقل میکند، باز هم شرح میدهد که به روایت بعضی از علماء، امام پیکر علی اکبر را در همان محل شهادت گذاشت و خود خبر شهادت او را نزد بانوان حرم آورد:

ز دانش پژوهان اهل خبر	نیشتنند زینگونه برخی دگر
به خرگه نیورد زی بانوان	که شه کشته پاک پور جوان
که آن‌مه نهان گشت درزیر میغ	خود آمد بداد آگهی با دریغ
(چهارخیابان باغ فردوس، ص 126)	

وی روایاتی را که کمتر در مقاتل معروف ذکر شده‌اند، همچنین گاه برخی روایاتی که به لحاظ عقلانی کمتر باور پذیر بوده‌اند، در اثر خود، به همراه توضیحاتی در متن، آورده است. به عنوان مثال، میتوان به روایت پاسداری شیر از پیکر امام شهید (همان:ص 155) و مرغی خون آلود که خبر شهادت امام را برای فاطمه دختر او در مدینه میبرد (همان:ص 157) و داستان آمدن درویش بلخی به خدمت امام حسین (ع) و آب آوردن برای او در صحرای کربلا و نپذیرفتن امام اشاره کرد (همان:ص 139).

3- عدم آمیختگی به افسانه

در بسیاری از حماسه‌های دینی همچون خاوران نامه و یا حمله راجی در شرح نبردها و معجزات حضرت علی علیه السلام، واقعیت و افسانه با هم در آمیخته‌اند، در این منظومه‌ها روایاتی همچون «جنگ با دیو و اژدها و امثال این واقع» به همراه دیگر جنگهای علی (ع) آمده‌اند (حماسه سرایی در ایران، صفا،ص 373).

سراینده باغ فردوس، علاوه بر ذکر منابع در مقدمه و در متن، حتی پیش از انتشار اثر نیز آن را در اختیار یکی از علما قرار داده و به لحاظ سندیت تاریخی از وی تأییدیه گرفته است.

نیز در مقدمه (دکتر عبدالحسین الهامی) چنین ذکر شده است: «مضامین و موضوع های منابع استفاده شاعر کتاب باغ فردوس طبق احادیث صحیح و مقاتل علماء اعلام به ویژه مقتل مرحوم آیت الله شیخ عبدالرحیم کرمانشاهی طاب ثراه والد جد آیت الله حاج شیخ محمد هادی جلیلی مجتهد کرمانشاهی ادام الله عمره اقتباس گردیده است.

تقریظ شیخ مامقانی بر باغ فردوس در مقدمه اثر آورده شده است (چهارخیابان باغ فردوس، الهامی، ص 14) الهامی در چندین مورد به ویژگی عاری از افسانه و دروغ بودن نظم خویش مباحثات میکند از جمله:

به یزدان بخشنده از من سپاس که چندین روان مرا داشت پاس
که دویم خیابان این نغز باغ سرآمد نه افسانه در آن نه لاغ
(همان:ص 126)

البته با توجه به باور و احترام عمیق سراینده نسبت به فردوسی و ستایش او در متن، باید گفت ذکر این ویژگی، بیش از آنکه تعریضی به شاهنامه فردوسی بوده باشد، نشان از باور عمیق مذهبی سراینده به موضوع اثر خویش است. البته مباحثات به راستی و پرهیز و دوری از دروغ خود را از ارزشهای شاهنامه نیز هست. چنانکه فردوسی میگوید:

تو این را دروغ و فسانه مدان به رنگ فسون و بهانه مدان
از او هرچه اندر خورد با خرد دگر بر ره رمز و معنی بود
(شاهنامه، ج 1: ص 12)

4- استفاده بجا از و متعادل از صناعات بدیعی

دربارهٔ ویژگیهای سبکی حماسه گفته‌اند که «از آنجا که حماسه متضمن خبر بزرگی است، احتیاج به شاخ و برگ و آرایش کلام و صنایع بدیعی ندارد ... البته زبان حماسه هم زبان ادبی است، در اینجا مراد افراط در به کار گیری صنایع ادبی است.» (انواع ادبی، شمیسا، ص 119).

سیروس شمیسا در بحث خود راجع به حماسه، استدلال رضا قلی خان هدایت را که کثرت صنایع بدیعی علت رجحان شاعری چون فتحلی‌خان صبا بر فردوسی است، اشتباه دانسته است (همان، ص 119-120).

اگر نگاهی به خداوند نامه صبا بیندازیم، از همان آغاز تعمد شاعر برای استفاده از صنایع بدیعی در پیش رویمان نمایان خواهد شد. دو بیت آغازین خداوند نامه (به نقل از کتاب حماسه سرایی در ایران) چنین است:

به نام خداوند بینش نگار خرد آفرین آفرینش نگار
خداوند این گوهرین بارگاه بر افروز این عنبر کارگاه
(حماسه سرایی در ایران، ص 381)

البته ابیات آغازین باغ فردوس نیز تا حدی به این دو بیت صفا شباهت دارد، اما سرایندهٔ باغ فردوس، علاوه بر آنکه افراطی در به خدمت گرفتن آرایه‌های کلامی نشان نمیدهد، بگونه‌ای از بدیع در اثر خود استفاده می‌کند که به روانی کلام او لطمه‌ای وارد نسازد. این ویژگی تا به آنجاست که غالباً کاربرد صنعت بدیعی جز با دقت در قرائن کلام او آشکار نمیشود.

نکته لازم ذکر آنکه بسامد استفاده از بدیع در باغ فردوس، در آغاز بخشها و ابیات مربوط به نیایش و مدح - که از جنبه‌های روایی برخوردار نیست - بیشتر است.

در اینجا ابیاتی بدیعی را از باغ فردوس به عنوان نمونه نقل میکنیم:

فلک را فرازندهٔ بارگاه زمین را طرازندهٔ کارگاه
(چهارخیابان باغ فردوس، ص 16)

ز دریای ساوه بخوشید نم ز دشت سماوه بجوشید نم
(همان، ص 17)

مرا شرم این کودکان کرد آب ندارم دگر با چنین درد تاب
(همان‌ص: 111)

به هر لشکر و دژ که او رو نهاد به مردی شکست و به نیرو گشاد
نه تنها به مردی خراسان گرفت تواند جهان چون خور آسان گرفت
(همان‌ص: 18)

5- تلفیق دو عنصر عاطفه و باور با روح حماسی

وجود مفاهیمی چون شهادت، امید به شفاعت امامان در روز رستاخیز، نیایش و استمداد از پروردگار، ثواب گریستن بر حسین (ع)، مطابق آنچه در باور شیعیان دوازده امامی میگذرد، به این حماسه دینی حال و هوایی خاص بخشیده است.

هدف سراینده باغ فردوس، تنها نقل حوادث نبوده است. بنابراین در موقعیتهایی از روایت که بار عاطفی بیشتری به زعم او داشته است، با تأمل و دقت بیشتری به توصیف و شرح واقعه پرداخته است. خصوصاً در ابتدای بخشها همانند بخشهایی که شهادت حضرت علی اکبر (ع) و قاسم بن الحسن علیه السلام با توصیف شاعرانه این دو قهرمان بر بار عاطفی روایت خویش افزوده است. بنابراین تأثر انگیزی و به تعبیری گریه آور بودن روایت باغ فردوس در کنار روح پهلوانی و حماسی آن یکی از ویژگیهای مهم آن محسوب میشود. در اینجا به عنوان مثال ابیاتی را از بخش شهادت حضرت عبدالله بن حسن (ع) ذکر میگردد:

سپس روی و مو پر ز گرد سیاه از آن پهنه آمد به نزدیک شاه
ز هر رخنه جوشنش خون روان سرپاش چون شاخه ارغوان
فرو آمد از کوهه ره سپر به پوزش بر شه فرو برد سر
بگفت ای خداوند بالا و پست لب تشنگی شد شکیم ز دست
ز بس تشنه رفته دستم ز کار بیسته است و بر من در کارزار
اگر بخشیم شربتی آب سرد نمانم از این لشکر گشن، مرد
نبود آب و آن زاده بوتراب ز شرم برادر پسر گشت آب
(همان‌ص: 96)

6- پیراستگی، یکدستی و پرهیز از اطناب

آنچنان که در مقدمه خسروی قاجار آمده است، منظومه باغ فردوس ابتدا حجمی دو برابر نسخه موجود داشته است که شاعر با وسواس و دقت خود، پس از پیرایش و حذف ابیات آن را به حدود شانزده هزار تقلیل میدهد: «بر ارباب دانش مخفی نماند که ناظم این کتاب مستطاب پس از فراغت از نظم آن، دیگر باره همت خویش را مدت یک سال بیش در این کار زحمت کشیده آنچه نا مرغوب و کلمات غیر مأنوس در آن یافت، تغییر داد و هر کجا برای شدت اجزاء کلام بیشی لازم دید از نو گفته در آن درج نمود و اشعار آبدار بسیاری را که از نبودش نقصی در داستان حاصل نمی گشت و

به همچنین داستانی چند را که بی مناسبتی شایسته در این نامه تخلیط داده بود، از خوف تطویل کلام و اطناب کتاب به کلی قلم محو بر کشید (همان:ص 7).
در ادامه خسروی قاجار تاریخ اتمام نهایی باغ فردوس را هزار و سیصد و چهار هجری ذکر می کند و توضیح می دهد که البته در هنگام ویرایش کتاب (که هفت سال به طول انجامیده است) «برخی ارباب ذوق دو نسخه از خیابان اول و داستانی چند از خیابان دویم را نبشته به دارالخلافه طهران و دیگر بلاد بردند» سپس از خوانندگان و اهل ذوق می خواهد که به جهت اصطلاح نهایی مرحوم الهامی این نسخه‌ها را محل اعتبار نشمارند و از میان بردارند¹ (همان:ص 7).

7- داشتن زبان اصیل و سره فارسی همانند با سبک سامانی

میتوان گفت تقریباً تمامی مختصات سبکی که بهار در سبک شناسی برای سبک دوره سامانی بر می شمارد، در متن «باغ فردوس» وجود دارد. مختصاتی از قبیل ایجاز و اختصار، کوتاهی جمله‌ها، کمی لغت تازی، استعمال قید ظرف (اندر به جای در و آورد بء اضافه قبل از اسم به همراه «اندر» و «اندرون» پس از آن) آوردن افعال به سیاق کهن، استعمال بء تأکید، آوردن «ایدون» به جای «چنین» و «ایدر» به جای اینجا، یکی به جای یک و ... (سبک شناسی، بهار، ج 2:ص 54-60) به صورت کاملاً یک دست، طبیعی و درونی شده در زبان باغ فردوس وجود دارد.

با توجه به اینکه برخی نمونه‌ها در این زمینه در بخش همانندی «باغ فردوس» با شاهنامه فردوسی، آورده شده، در اینجا برای پرهیز از اطناب از نقل مصادیق خاص خودداری میکنیم. هر قسمتی به تصادف از باغ فردوس انتخاب شود، میتواند مؤید و مثالی برای زبان خراسانی باغ فردوس باشد.

ارتباط درونی (بینامتنی) «باغ فردوس» با شاهنامه فردوسی

الف- همانندی کار الهامی در سرایش با شاهنامه فردوسی

در اینجا سه مشابهت در کار الهامی با شاهنامه حکیم فردوسی میتوانیم ذکر کنیم. مشابهتهایی که حتی اگر از سراتفاق بوده باشد، خود نشانی از ارتباط عمیق سراینده باغ فردوسی و اثر او با فردوسی است:

1- الهامی به سرایش منظومه مأموریت مییابد (طبق شرحی که در مقدمه باغ فردوس آمده است).

¹ ظاهراً در کتابی که به عنوان دیوان الهامی در سال 1389 و توسط انتشارات میراث مکتوب انتشار یافته است همین نسخه‌ها منبای کار قرار داده شده است.

2- از آغاز سرایش به «فردوسی حسینی» ملقب میشود. وی به این لقب، رفته رفته مشهور میشود. ادیب الممالک فراهانی نیز در رباعی که ذیل عکس الهامی سروده است، در صفحه پایانی «باغ فردوس» آورده است میگوید:

این عکس که در صفحه نیکو نامی است

معروف خرد چو عارف بسطامی است

آنکو که به علم و معرفت چون جامی است

فردوسی شاه کربلا «الهامی» است (چهارخیابان باغ فردوس، ص 245).

3- رنج پیوسته و پشتکار سراینده و دغدغه او در اتمام اثر خویش، در متن منظومه مشهود است.

همانگونه که حکیم فردوسی به رنج سی ساله خویش در سرودش اثر جاودان شاهنامه زنده نگه داشتن زبان فارسی اشاره می کند، الهامی نیز گاه در آغاز و پایان بخشها دغدغه خود را به اتمام رساندن منظومه بیان میکنند و از خدا میخواهد که چندان به وی زمان بدهد که بتواند کار خویش را به فرجام برساند.

با اینهمه هرچند که خیابان اول و قسمتهایی از خیابان دوم توسط برخی اصحاب ذوق به تهران و بعضی شهرهای دیگر برده میشود. اثر وی، پس از مرگ او توسط فرزندش «عبدالحسین الهامی» در سال هزار سیصد و بیست و هفت هجری شمسی انتشار مییابد (همان، مقدمه دکتر الهامی).

ب- ستایش سخن فردوسی در متن

در برخی از حماسه‌های دینی، سرایندگان مضمون مذهبی اثر خویش را به عنوان مزیتی برای منظومه خویش در قیاس با شاهنامه فردوسی برشمرده‌اند. به عبارتی گونه‌ای تعویض به حکیم فردوسی و شاهنامه او در آنها دیده میشود. از جمله این منظومه‌ها میتوان از علی نامه، نام برد که در آن سراینده چنین میگوید:

به شهنامه خواندن مزین لاف تو
تو از رسم و از طوس چندین مگوی
... علی نامه و حمزه نامه به چند
بفرمود فردوسی را آن زمان
ز شاهان پیشین سخن یاد کن
... به شهنامه خواندن پرداختند
بکردند این حيله اصحاب کین

نظر کن در آثار اشرف تو
در این کوی بیهوده گویان مپوی
بخوانند کاین هستت بس ناپسند
که تصنیف کن تو کتابی چنان
دل غمگنان را بدان شاد کن
کسانی که این مکر بر ساختند
نه ضایع شود گفت مردان دین
(علی نامه، ربیع، ص 135-136)

اما منظر گوینده «باغ فردوس» در دورنمای تاریخی خود، چیزی جز ستایش اثر والای فردوسی نیست. سراینده باغ فردوس، در قسمتهای آغازین اثر خود، بخشی مستقل را در ستایش فردوسی و سخن آورده است:

خدا را نگهبان گنج نهران
سخنها بجا مانده زیشان بسی
که گوی سخن بر به چوگان زدند
بی انباز در دوره خویشتن
که شاهنشهی را فرو کوفت کوس
همه شهریار او شهنشاهشان
به خورشید فکر همه تاب از اوست
ز شهنامه بهتر گواهی مجوی
فرستادی اندر جهان رهنمای؛
بُد و نامه اش ایزدی دفتری
به از گوهر تاج کیخسروی
(چهارخیابان باغ فردوس، ص 20).

سخن گسترانند در این جهان
بویژه مر آنان که در پارسی
بگیتی سخن گستران آمدند
همه شهریاران ملک سخن
همه نامجو ویژه دانای طوس
همه اخترانند و او ماهشان
به جوی بیان همه آب از اوست
... شود راست تا بر تو این گفتگوی
فرستاده پارسی گر خدای
سخن گستر طوس، پیغمبری
بدش در سخن گفته پهلوی

وی همچنین در مقدمه سخن خود را به آیین سخن فردوسی بر می‌شمارد و چنین از حکیم طوس یاد میکند: «چون از گه باستان تا کنون نامه‌ای در سوگواری فرزند پیغمبر (ص) از هیچ سخنور بدانگونه که استاد سخنوران و خداوند هنر گستران فردوسی طوسی که خداوندش در مینو شاد گرداناد سروده دیده نشده و کسی در گفتن آن رنج نبرده بود ... شبان و روزان به سر بردم تا این نامه را که باغ فردوس نام دارد، به آیین استاد طوس چون یکی زیبا عروس برآراستم ...» (همان: ص 14).

ج-دغدغه ترجمه صحیح به فارسی

سراینده باغ فردوس در مقدمه خود درباره دشواری برگردان از متن عربی به فارسی در قیاس با کار فردوسی که منابع پهلوی داشته است، سخن می‌گوید و به خاطر برخی عبارات تازی در سروده خود پوزش می‌خواهد:

«اگر در داستانهای این نامه برخی سخنان به گفتار تازی یاد شده خرده نگیرید که راه گوینده از هر سو بسته شده بود و همه گفتارهای آن را به پارسی پیوند نمیتوانست داد و ناچار هر آنچه از او گفته شده به آیین استاد طوس و شاهنامه او نزدیکتر است از نامه‌های دیگر مرد خردمند آگاه است که چونین نامه که بنیاد داستانهای او به تازی زبان شده به پارسی دشوار توان گفت ...» (همان: ص 14).

چنانکه در بخشهای بعدی به آن خواهیم پرداخت، حوزه لغات در باغ فردوس واژه‌های اصیل دری است و همانند برخی از شاعران معاصر شاعر همچون شیبانی، ادیب الممالک فراهانی و فرصت الدوله [شیرازی]، واژگان جعلی و دساتیری آنگونه که در کتاب «سبک شناسی» بهار (سبک شناسی، بهار، ص 291) و کتاب خسرو فرشیدورد (لغت سازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی، فرشیدورد، ص 411-470) به آن اشاره شده، در کلام الهامی راه نیافته است.

د- عنصر اغراق در توصیفها:

اغراق را از عناصر اصلی شعر حماسی بر شمرده‌اند. اغراق در حماسه جزء ذات شعر است نه یک صنعت [در حماسه] سخن از بهادریها و جنگ آوریها غریبی است. بدیهی است که بیان چنین وقایعی، خود به خود با اغراق و غلو همراه خواهد بود (انواع ادبی، شمیسا، ص 102)

همانگونه که توجه به نقش عظیم اغراق در بیان حماسی را باعث تفوق فردوسی در قیاس با شاعرانی چون اسدی طوسی و نظامی گنجوی دانسته‌اند (صورخیال در شعر پارسی، شفیع کدکنی، ص 138). نیز شاهد توصیفهایی در نوع خود بدیع در بیان احوال شخصیتها و موقعیتهای روایی هستیم. در اینگونه وصفها، شاعر با بهره‌گیری از عنصر اغراق، اعجاب مخاطب خود را هرچه بیشتر بر می‌انگیزد. در اینجا ابیاتی را در توصیف موقعیتهای مختلف از این منظومه نقل میکنیم:

- در توصیف هلاکت دشمنان به دست حضرت عباس (ع):

روان شد ز شمشیر آن پر شکوه	روانها به دوزخ گروهها گروه
سمندش همی گشت مردان به نعل	بدانسان که نعلش ز خون گشت لعل
نه از تیر باکش نه از تیغ بیم	همی کرد مردی به زخمی دو نیم
ز بس مرد کآن را دو نیمه نمود	شمار سپه یک به یک بر فزود

(چهارخیابان باغ فردوس، ص 112).

- درنگ حضرت عباس قبل از سخن گفتن با سپاه دشمن

چنان شد دل جنگیان از نهیب	که خورشیدشان پای اندر رکیب
سپهبد زمانی خموش ایستاد	تو گفتی که کوهی است بر پشت باد

(همان، ص 110)

- توصیف اسب حضرت عباس

ز زخم سم باده نامدار	زمین بی سکون گشت سیماب وار
----------------------	----------------------------

(همان، ص 112)

- رفتن حضرت عباس (ع) به آوردن آب

بدیدند لشگر یکی شاه نو به دستش یکی دشنه چون ماه نو
(همان:ص 111)

و- وجود انواع مرثیه، مفاخره، ساقینامه و پند و اندرز

در متن حماسه فردوسی انواع مرثیه، مانند مرثیه زال بر رستم (از رنگ گل تا رنج خار، سرامی، ص 288)، مفاخره، مانند مفاخره اسفندیار در خطاب به رستم و همچنین برخی رجز خوانی پهلوانان به هنگام نبرد (همان:ص 300) ساقینامه (در ابتدای داستان بیژن و منیژه) و نیز پند و اندرز در آغاز و فرجام داستانها و برخی از موقعیتهای داستان وجود دارد¹.

در باغ فردوس در بخشهای آغازین هر خیابان شاهد بخشی تحت عنوان «خطاب به ساقی حقیقی و طلب باده حقیقت» هستیم که نوعی ساقینامه عرفانی محسوب میشود. همچنین گونه مرثیه در قسمتهایی همچون مرثیه امام حضرت ابوالفضل (ع) مرثیه مادر علی اکبر بر پیکر او، مرثیه امام بر پیکر حضرت قاسم (ع) در خیابان دوم دیده میشود.

نوع مفاخره نیز در باغ فردوسی، در قسمتهای مربوط به رجز خوانی ها از جمله رجز خوانی حضرت عباس به هنگام معرفی خود به دشمنان (چهارخیابان باغ فردوس، ص 111) دیده میشود. پند و اندرز با مضامینی که غالباً همانند با مضامین شاهنامه فردوسی هستند، نیز در برخی موقعیت های داستانی، باغ فردوس آمده است. برای نمونه میتوان به این ابیات اشاره کرد که در پایان خیابان سوم و ذکر حالات امام سجاد (ع) آمده است:

چنین است کردار گردان سپهر	... شب و روز بودند پرآب چهر
هم اندازد آخر به چاه گزند	گرت بر نشانند به گاه بلند
توخاکی چو دریای آتش مجوش	همی تا توانی به نیکی بکوش
چنان کن که مردم نگویند مرد	اجل چونکه سال حیاتت شمرد

(چهارخیابان باغ فردوس، ص 193-192)

در خصوص ساقینامه نیز باید به این نکته اشاره کرد که در منظومه‌هایی همانند حمله حیدری از راجی و نیز منظومه باذل، نیز به تأثیر از ادبیات عرفانی، بخشهایی در آغاز داستانها بعنوان ساقینامه آمده است.

¹ نمونه‌های آن در کتاب از رنگ گل تا رنج خار (شکل شناسی داستانهای شاهنامه) نوشته غلامعلی سرامی انتشارات سخن (سرامی، 1388) به تفصیل و تفکیک ذکر شده است.

در اینجا به عنوان نمونه این دو بیت را از جمله راجی نقل میکنیم:

ندانم چه در جام ما ریختند چه صاف اندرین دردی آمیختند
بده ساقی آن آتش تابناک که تاکش پدید آمد از آب و خاک
(حملة راجی، ص 239)

بار عرفانی «ساقی» در منظومه باغ فردوس هنگامی که سراینده به بخش حضرت عباس (ع) میرسد و او را به عنوان ساقی ستایش میکند، بیشتر نمایان میشود:

کنون از نی دل بر آرم نوا سخن رانم از ساقی نینوا
چه ساقی شه تشنه کامان عشق امیر صف نیکنامان عشق
(چهارخیابان باغ فردوس، ص 108)

ز- انتقام و کین ستاندن از قاتلان

در شاهنامه کیخسرو کین سیاوش را با کشتن افراسیاب می ستاند (شاهنامه، ج 4: ص 321) و در مواردی دیگر همچون کین ستاندن گودرز از پیران (همان، ج 4: ص 130 و 131) انتقامجویی و فرجام کیفرگونه گناهکاران و قاتلان را که از دشمن هستند، میبینیم. میتوان گفت راوی باغ فردوس نیز با شرح قیام مختارثقفی در حقیقت روایت خود با پایانی شکوهمند که با کیفر قاتلان همراه است به اتمام میرساند. به عبارتی با آوردن بخش مختار بر بار حماسی اثر نسبت به بار تراژیک و تأثرانگیز آن می افزاید.

نتیجه گیری

در نگاه نخست پدیدآمدن منظومه ای همچون چهارخیابان باغ فردوس در روزگار قاجار و عهد ناصری، پس از خلق آثاری همچون خداوندنامه صبا شاید اتفاق چندان مهمی به نظر نیاید؛ اما با بررسی و بازخوانی باغ فردوس در می یابیم که این اثر در نوع خود ویژگیهایی بیمانند دارد. از جمله این ویژگیها موضوع آن است که با نگاهی به حماسه های دینی میبینیم در دو اثر به موضوع داستان مختارثقفی و در یک اثر به نظم داستان حضرت علی اکبر (ع) که بخش کوچکی از واقعه کربلاست پرداخته شده است. بنابراین برای منظومه باغ فردوس از آنجا که در آن واقعه کربلا را از آغاز تا به پایان بهراه شرح خونخواهی مختار بصورت کامل آورده شده است، در میان حماسه های دینی همانندی نمیتوان یافت. تلفیق عناصر مذهبی با عناصر شاهنامه ای در صورت و محتوای این منظومه قابل بررسی و مذاقه است. ارتباط عمیق بینامتنی این حماسه دینی با شاهنامه فردوسی شاید بیش از اقران دیگر خود باشد. از جمله دیگر ویژگیهای برجسته آن بار تراژیک آن است، به گونه ای که در عین داشتن زبانی حماسی در مجموع فضایی تأثرانگیز بر آن غالب است. شاید بتوان نتیجه گرفت اینکه شاعر روایت را

تا انتهای قیام مختار ادامه داده است برای تفوق نهایی قهرمانان خود در اثر حماسی و تراژیک خویش است. امانتداری مؤلف در نقل وقایع (تا جایی که مؤلف و نویسندگان مقدمه اثر معتقدند این اثر علاوه بر ارزش ادبی به عنوان یک مقتل جامع نیز ارزش تاریخی خاص دارد) دغدغه شاعر در ترجمه صحیح از زبان عربی به فارسی سره، همانندیهای اثر در صورت، محتوا، روایتگری و شخصیت مؤلف باشاهنامه فردوسی از دیگر خصوصیات باغ فردوس است. با اینهمه نشر دیر هنگام آن در سال هزار و سیصد و بیست و هفت شمسی یعنی پس از عهد ناصری و درهنگامی که اذهان عمومی بیش از هر چیز درگیر مسائل سیاسی بوده است، همچنین دوری سراینده و محل طبع اثر از مرکز را میتوان از عوامل گمنامی نسبی آن در میان عموم ادب‌دوستان برشمرد.

در نهایت باید گفت این اثر همچنان گستره‌ای چشمگیر برای پژوهشهای قیاسی و سبک‌شناسانه در حوزه حماسه‌های دینی و شاهنامه‌پژوهی محسوب میشود.

منابع

- 1- از پاژ تا دروازه رزان. جستارهایی درباره فردوسی. یاحقی، محمدجعفر. (1388). تهران: سخن
- 2- از رنگ گل تا رنج خار. شکل‌شناسی داستانهای شاهنامه. سرامی، قدمعلی. (1388). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- 3- از صبا تا نیما. آریان‌پور، یحیی. (1350). تاریخ 150 سال ادب فارسی. جلد 1. تهران: فرانکلین
- 4- انواع ادبی. شمیسا، سیروس. (1383). نخستین چاپ از ویرایش چهارم. تهران: میترا
- 5- بهار و ادب فارسی. بهار، محمدتقی. (1382). مجموعه یکصد مقاله از ملک الشعرای بهار. به کوشش محمد گلبن. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- 6- تاریخ ادبیات در ایران. صفا، ذبیح‌الله. (1347). جلد 1. تهران: انتشارات ابن سینا
- 7- تاریخ ادبیات در ایران. صفا، ذبیح‌الله. (1367). جلد 2. تهران: فردوس
- 8- تذکره مختصر شعرای کرمانشاه. کرمانشاه شاکری، باقر. (1337). چاپ سعادت
- 9- چهارخیابان باغ فردوس. الهامی کرمانشاهی، میرزا احمد. (1327). با مقدمه خسروی قاجار. قطع رحلی. کرمانشاه: چاپخانه کرمانشاه
- 10- حدیقه الشعرا. دیوان بیگی شیرازی، سید احمد. (1364). تصحیح و تحشیه دکتر عبدالحسین نوایی (دوره سه جلدی). تهران: زرین
- 11- حماسه سرایی در ایران. صفا، ذبیح‌الله. (1374). چاپ ششم (اول فردوس). تهران: فردوس
- 12- حمله راجی. راجی کرمانی، ملابمانعلی. (1379). تصحیح طالبیان و محمودمدبری. کرمان: دانشگاه باهنروانجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان کرمان

- 13- دیوان الهامی کرمانشاهی الهامی کرمانشاهی، میرزا احمد. (1379). مقدمه تصحیح و تحقیق: امیداسلام- پناه. تهران: میراث مکتوب
- 14- دیوان سنایی، سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد. (1320). به سعی و اهتمام مدرس رضوی. تهران: شرکت طبع کتاب
- 15- دیوان لاهوتی، لاهوتی، ابوالقاسم. (1358). به کوشش احمدبشیری، تهران: امیرکبیر
- 16- سبک شناسی، بهار، محمدتقی. (1386). جلد سه. تهران: امیرکبیر.
- 17- شاهنامه فردوسی، ابوالقاسم. (1391). به کوشش جلال خالقی مطلق. (دورهٔ 8 جلدی). تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی
- 18- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا. (1358). تهران: آگاه
- 19- علی نامه ربیع. (1390). تصحیح رضاییات و ابوالفضل غلامی، تهران: میراث مکتوب
- 20- کسایی مروزی: زندگی و اندیشه و شعر، ریاحی، محمدامین. (1367). تهران: توس
- 21- کلیات آثار غیرت، غیرت کرمانشاهی. (1338). تهران: چاپخانهٔ فردوسی
- 22- لغت‌سازی و وضع و ترجمهٔ اصطلاحات علمی وفنی. فرشیدورد، خسرو. (1380) تهران: نسوره
- 23- مصیبت نامه، عطارنیشابوری، فریدالدین. (1386). مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن